

تولید ماشین آلات نساجی در ایران غیرممکن نیست

گفت و گو با مهندس حسین فرشاد

نیست که از عهده متخصصین توانمند نساجی کشور برنیاید. چرا دانشگاهها در این زمینه اقدام موثری انجام نمی‌دهند و اصولاً برنامه‌ای برای تولید ماشین آلات نساجی ندارند؟

۴۵ سال سابقه فعالیت در واحدهای صنعتی و دانشگاه کشور دارم و با اطمینان عنوان می‌کنم که ادامه این مسیر یعنی تدریس صرف مباحث تئوریک به رشد و توسعه صنعت نساجی منتهی نخواهد شد و همچنین ارتباط میان صنعت و دانشگاه عملیاتی نخواهد شد.

در حال حاضر وضعیت صنایع نساجی ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اگر از دانش و تجربه ساخت ماشین آلات و دستگاههای صنعت نساجی بهره‌مند بودیم امروز نیازی به واردات ماشین آلات خارجی و خروج مقادیر قابل توجهی ارز از کشور نداشتیم. دلیل ورشکستگی ماشین‌سازی غدیر چه بود؟ اگر قرار است ماشین‌الات نساجی تولید شود باید متخصصین توانمند و مجرب در کارخانه‌ها حضور داشته باشند که با علم مکانیک آشنا باشند اما بزرگترین خیانت زمانی به صنعت نساجی شد که انبوه ماشین آلات ریسندگی و بافندگی خارجی وارد کشور گردید و دیگر مجال و فرصتی برای تولید دستگاههای صنعتی در ایران باقی نماند.

از نظر فنی و تربیت نیروی متخصص وضعیت به چه صورت است؟

فقط در زمینه مباحث تئوریک توانمند هستند و آشنایی چندانی با مراحل عملیاتی تولید ندارند. این وضعیت پیش از انقلاب هم وجود داشت فقط تئوری مورد توجه قرار می‌گرفت. یک سوال مهم این که چرا در ایران چادرمشکی تولید نمی‌شود؟ پروژه تولید چادر مشکی در مجموعه کرپ‌ناز (سال ۱۳۸۵) برعهده من بود و پروفرا ماشین‌الات تولید چادرمشکی را هم تهیه کردیم، ارز تولید چادرمشکی را از وزارت صنایع دریافت کردیم (حدود ۵/۵ میلیون دلار) و با یک شرکت کره‌ای در زمینه انتقال تکنولوژی تولید چادرمشکی در ایران مذاکراتی انجام دادیم اما متأسفانه رییس یکی از بانک‌های عامل عنوان کرد که در این پروژه همکاری نخواهد کرد به این ترتیب با کارشکنی یک مدیربانکی، پروژه تولید چادرمشکی متوقف ماند.

موثر و ارزشمند بود.

پس از مدتی به بخش چاپ و رنگرزی دانشکده منتقل شدم و تحت مدیریت خانم مهندس مهرانگیز دهقانی کارم را ادامه دادم. حدود ۵ سال در این بخش مشغول کار بودم تا انقلاب فرهنگی رخ داد و دانشگاه به طور موقت تعطیل شد به دلیل سپری کردن دوره‌های آموزشی در انستیتو تکنولوژی نساجی و آشنایی با رنگرزی و چاپ، در کارم تخصص خوبی پیدا کرده بودم که در ادامه به عنوان کارشناس به وزارت صنایع و معادن وقت انتقال یافتیم و افتخار همکاری با زنده‌یاد مهندس سادات را داشتیم. با مطرح شدن بحث تولید ماشین‌الات نساجی در وزارت صنایع، نامه‌ای به زنده‌یاد سادات نوشتم مبنی بر این که مباحث تئوریک نساجی به موارد عملی تبدیل شوند و با توجه به فرموده امام خمینی (ره) مبنی بر این که مامی توانیم، تولید و ساخت ماشین‌الات نساجی در ایران آغاز شود و وابستگی ما به ماشین‌های خارجی از بین برود. هنگام کار در کاشان، مشاهده کرده بودم که برخی از فارغ‌التحصیلان دانشگاه حتی توانایی روشن کردن یک ماشین بافندگی را هم ندارند یا قادر به محاسبه تعداد سرخ در هر شانه نیستند لذا زنده‌یاد لاجوردی - بنیانگذار مخمل و ابریشم کاشان - از متخصصین هندی و کانادایی در امر تولید بهره‌گرفت. اما کار عملی در کارخانه وجود نداشت. پس از انقلاب قرار شد تمام مراحل مکانیک مربوط به ساخت ماشین‌الات نساجی در کشور انجام شود و در صورت اجرای موفق این برنامه، دیگر امروز شاهد واردات ماشین‌الات نساجی از ترکیه نبودیم! متأسفانه هنوز سیستم‌های دانشگاهی به روال قبلی ادامه دارد و برنامه‌ای برای طراحی و تولید ماشین‌الات نساجی وجود ندارد البته در صورت همکاری نزدیک و واقعی صنعت و دانشگاه، تولید ماشین‌الات نساجی در ایران غیرممکن نیست. زنده‌یاد سادات تصمیم داشت تولید دستگاه‌های نساجی در کشور انجام شود نه این که باز هم شاهد تدریس مباحث تئوریک صرف در دانشگاه‌ها باشیم اگر تئوری‌ها (به تنهایی) موثر بودند که صنعت نساجی به وضعیت آشفته امروز دچار نمی‌شد.

نکته دیگر این که اساتید قدیمی چون به سیستم گذشته دیروز عادت کرده‌اند همان مکانیزم را در ساختمان جدید دانشکده نساجی امیرکبیر پیاده کرده‌اند و هنوز هم مباحث تئوریک تدریس می‌شود و دانشجویان با مراحل عملی تولید و کار با ماشین‌الات آشنا نیستند در حالی که تولید برخی از دستگاه‌های نساجی چندان پیچیده و دشوار

آغاز فعالیت در صنایع نساجی

متولد ۱۳۳۰ در شهر کاشان هستم. مدرم قالی‌باف بودم و از ۱۰ سالگی نزد ایشان به قالی‌بافی پرداختم تا سن ۱۵ سالگی به قالی‌بافی و نخ‌تابی سپری شد تا این که وارد هنرستان نساجی شدم. به‌عنوان کارگر و زمان سنخ در سه‌ماه تابستان در شرکت ریسندگی و بافندگی کاشان که آقای مهندس علی محمد شریفی در آن فعال بودند؛ مشغول کار شدم و دوران کارآموزی‌ام را در شرکت مخمل و ابریشم کاشان سپری گذراندم.

پس از اخذ مدرک دیپلم نساجی، در سال ۱۳۵۰ فعالیت‌م را در شرکت مخمل و ابریشم کاشان آغاز کردم. در آن زمان آقای مهندس رضا حمیدی، آقای مهندس غلامرضا علی‌مردانی و آقای دکتر سید یعقوب شیرسوار در این مجموعه حضور داشتند و سال ۱۳۵۲ نیز آقای مهندس محمد مروج جهت اجرای پروژه راوند، وارد شرکت مخمل و ابریشم کاشان شدند پیش از آن زمان اولین دستگاه فرش ماشینی ایران در شرکت مذکور نصب شد پیش از این در کارگاه شماره ۴، سجاده تولید می‌شد و بعدها تولید قالیچه خاب و بسکوز در آن انجام شد اما پس از ورود و نصب دستگاه تولید فرش ماشینی، تولید مکانیزه فرش ماشینی آغاز گردید. پیش از نصب این دستگاه، ماشین‌الات قبلی فاقد بخش پشت‌زنی بودند لذا فرش‌های تولیدشده به کارگاه‌های خارج از کارخانه واگذار می‌شد این روال ادامه داشت تا این که پروژه راوند در سال ۱۳۵۲ با همکاری آقای مهندس مروج با موفقیت اجرا شد و پس از آن فرش با خاب پشم تولید می‌شد.

سال ۱۳۵۴ به استخدام دانشکده مهندسی نساجی دانشگاه پلی تکنیک تهران - بخش کارگاه بافندگی - درآمدم و زیر نظر آقای دکتر هوشمند بهزادان فعالیت خود را در دانشکده شروع کردم؛ مدتی نیز در بخش تریکوبافی دانشکده کار کردم تا این که ماشین گردباف از انگلستان وارد و در دانشکده نساجی نصب شد که تا پاسی از شب مراحل نصب و راه‌اندازی ماشین مذکور ادامه داشت. در ادامه ماشین‌الات کتن و راشل هم وارد شد که آنها هم با موفقیت نصب شدند.

مدتی بعد در کتکور فوق دیپلم شرکت کردم و در انستیتو تکنولوژی نساجی پذیرفته شدم. صبح‌ها در دانشکده کار می‌کردم و بعدازظهرها درس می‌خواندم که منجر به اخذ مدرک تکنسین عالی شدم؛ همچنین کار در دانشکده به دلیل ارتباط مستقیم با ماشین‌الات و دستگاه‌های تولیدی در کسب تجربه و ارتقای دانش فنی من بسیار